

## عوامل و آثار سوء ظن از منظر آیات و روایات

زهرا عسکری<sup>۱</sup>

### چکیده

سوء ظن یعنی اینکه بعضی انسان ها به دیگران به گونه ای بدگمانی داشته باشد و نسبت به همه بد بین باشد، به طوری که گفتار و کردار دیگران را حمل بر جهت منفی کند. گرچه در طول تاریخ حیات انسان ها مورد توجه همه اقوام بشری بوده است، به طوری که اهمیت این موضوع آنقدر زیاد است که به طور مکرر در قرآن و روایات از این رذیله اخلاقی منع کرده و خداوند متعال در قرآن سفارش می کند که انسان ها از بسیاری از گمان های بد پرهیز کنند که این ظن و گمان گناه است و سرچشمه بسیاری از مشکلات در جامعه، خانواده و افراد می شود. با توجه به دامنه گسترده موضوع سعی شده در این نوشتار عوامل و آثار سوء ظن مورد بررسی قرار بگیرد. به نظر می رسد که غیبت یکی از عوامل بروز و ظهور سوء ظن می شود. این تحقیق که از نوع کاربردی می باشد با ماهیت دینی و اخلاقی است و روش آن به صورت تحلیلی و توصیفی و ابزار آن فیش برداری از اسناد مکتوب، مقالات و به صورت کتابخانه ای می باشد.

**کلید واژه:** سوء ظن، حسن ظن، بدگمانی، آیات، روایات، سوره حجرات.

عوامل و آثار سوء ظن از منظر آیات و روایات



دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد رشته کلام، مجتمع آموزش عالی اصفهان<sup>۱</sup>

## مقدمه

آدمی از بدو تولد تا واپسین دم حیات، در دل اقیانوس عمیق ذهنیت خویش غوطه می خورد، گاه سر به امواج توفنده آن می کوبد و در هم فرو رفته و سرگردان به اعماق سیاهی ها می غلتد و گاه با تلاش، خود را از ژرفای ظلمات بیرون می کشاند و تیرگی ها از روح می زداید. در این کشاکش پیروزی نصیب کسی می شود که بکوشد تا گریبان از چنگ عقده ها، اضطراب ها، وساوس و اوهام و گمان های بیهوده برهاند. زیرا با وجود این رذیله اخلاقی که در اثر بی اعتمادی، افراد از هم فاصله می گیرند و عواملی باعث پیدایش آن می شود آثاری را در افراد و اجتماع به وجود می آورد که می توان با شناخت آن دامن جامعه را از مفسد آن پاک کرد تا روابط اجتماعی محکم تر شود. اگر در جامعه ای این گناه رواج پیدا کند دین و ایمان مردم را مورد تهدید قرار می دهد لذا ضرورت ایجاد می کند با شناخت آن، این رذیله اخلاقی را از بین برد. هرچند تاکنون درباره ی سوءظن کتب فراوانی نوشته شده و یا تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است ولی این تحقیق بنا دارد با بررسی واژه ظن در قرآن کریم دیدگاه قرآن را نسبت به سوء ظن برداشت نموده با امید این که قطره ای از دریای ژرف و شگرف قرآن را چشیده باشیم و این تنها گوشه ای از آیات و روایات در این خصوص است. قرآن کریم در بعضی از موضوعات سخن نموده و به صورت کلی، اشاره کرده و غالباً از توضیح جزئیات و یا شکافتن مسأله پرهیز نموده، و در واقع کلید را به دست محقق داده تا خود به تعمق و تدبر بپردازد. این پژوهش می کوشد عوامل سوءظن را یاد آور شود و آثار آن را بررسی کند. بنابراین ابتدا به بررسی مفهوم ظن و سوء ظن و عوامل و آثار می پردازد و در ادامه، عوامل سوءظن و عواقب آن از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار می دهد.

### پیشینه تحقیق

در طول تاریخ حیات بشر همه پیامبران برای این آمده اند تا انسان را به اخلاق پسندیده دعوت کنند و رذایل اخلاقی را از بین ببرند؛ و پیامبر اسلام نیز برای این برانگیخته شد تا اخلاق نیکو را تمام کند. با همین اخلاق نیکو مردم را دور خود جمع کرد. پس می توان اذعان داشت که بحث از فضایل و یا رذایل اخلاقی، سابقه و قدمت دیرینه دارد.

هر چند پس از بررسی کتب و مقالات متعدد، کتاب یا مقاله ای الزاماً با عنوان «عوامل و آثار سوء ظن از منظر آیات و روایات» یافت نشد ولی می توان اذعان داشت که در منابع مختلف، از دیدگاه ها و روش های مختلف به این موضوع پرداخته شده است که در اینجا از بین منابع یافت شده به بعضی از آنها اشاره می شود.

- کتاب "دقایقی با قرآن" اثر محسن قرائتی (تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۵ ه.ش)؛ در این کتاب به اقسام سوء ظن اشاره کرده که بعضی پسندیده و برخی ناپسند است و سوء ظن به خدا و مردم در سوره بقره آیه ۶۷ نهی شده اما سوء ظن به خود مورد ستایش است؛ زیرا انسان نباید به خود حسن ظن داشته

باشد و در همه ی کار ها، خود را بی عیب بیندارد. در این کتاب فقط به اقسام سوء ظن پرداخته شده است؛ و در زمینه ی عوامل و آثار آن موردی به چشم نمی خورد.

- کتاب "آموزه های بنیادین علم اخلاق"، ج ۲، اثر محمد فتحعلی خانی (قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، شهریار، ۱۳۷۹ه.ش)، این کتاب اشاره به مخرب بودن این رذیله اخلاقی در روابط اجتماعی دارد؛ که در قرآن کریم خداوند متعال بدگمانی نسبت به دیگران را نهی فرموده و اشاره به دو اثر نا مطلوب بدگمانی دارد: نخست این که شخص بد گمان از ادای تکلیف خود نسبت به دیگران باز می ماند و به این سبب از کمال انسانی خود دور می افتد و دوم آنکه روابط اجتماعی دشوار و سرد می شود. در این کتاب در زمینه ی آثار و عوامل فردی و اجتماعی موردی به چشم نمی خورد.

- کتاب "آداب اسلامی"، ج ۱، اثر واحد تدوین کتب درسی حوزه (قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۸۵ه.ش) در این کتاب با استفاده از قرآن و روایات معصومین -علیهم السلام- از قبح و زشتی سوء ظن سخن به میان آمده است ولی در زمینه عوامل آن موردی به چشم نمی خورد. البته باید یاد آور شد که هیچ کدام از این آثار، به صورت خاص و کامل به عوامل و آثار سوء ظن نپرداخته اند که به یاری خداوند متعال، این تحقیق بنا دارد در حد توان خویش به آثار و عوامل سوء ظن از منظر آیات و روایات به صورت یک جا و منسجم بپردازد.

### مفهوم شناسی

برای آشنایی بیشتر با مسأله سوء ظن بهتر است در ابتدا به مفهوم واژگان اصلی تحقیق پرداخته شود.

۱-۱- معنای عوامل

عوامل جمع عامل و عامله است و در تداول امروزی، سبب ها و باعث ها.<sup>۱</sup>

۱-۲- معنای آثار

آثار جمع اثر، به معنی نشانه ها و علامت ها می باشد.<sup>۲</sup>

۲-۳- معنای سوء

اسمی است از ریشه ساء و به معنای آفت و بدی.<sup>۳</sup>

۲-۴- معنای ظن

به معنای داوری با نظری که بر پایه علم و یقین قطعی نباشد، یا به معنی گمان و حدس آن چیز.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۴۸۷.

<sup>۲</sup> - سید حمید طبیبیان، فرهنگ لاروس (ترجمه المعجم العربی الحدیث)، ج ۲، ص ۵۴.

<sup>۳</sup> - همان، ج ۲، ص ۱۲۲۴.

<sup>۴</sup> - حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۹۳۴.

ظَنًّا - ظَنَّ الشَّيْءَ: در آن چیز گمان بردند، به معنی یقین نیز آمده است؛ «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ: آنان که یقین داشتند خدا را دیدار می کنند، گفتند».<sup>۱</sup>

## ۲-۵- معنای سوء ظن

معنای لغوی آن بد گمانی و بد خیالی<sup>۲</sup> و از لحاظ اصطلاحی یعنی اینکه افراد در محیط فکر خود شخصی را مورد هجوم افکار و قضاوت های بد و ناروا قرار دهند و احترام و شخصیت او حتی در محیط افکار دیگران محفوظ نماند.<sup>۳</sup> هم چنین قسم دیگری از بهتان است که ندانسته چیزی را به کسی ببندد، پس سبب آن غالباً سوء ظن است یعنی چیزی را که از کسی دیده یا شنیده حمل بر فساد کند و گمان خود را پیروی نماید و به احتمال صحیح و جهت صلاح در آن کار اعتنائی نکند. لذا در قرآن مجید و اخبار کثیره مسلمانان را از بد گمانی به دیگران، سخت نهی کرده که عمل مسلمانان را باید حمل به صحت کرد.<sup>۴</sup>

شهید ثانی رضوان الله علیه در کتاب شریف الريبية می فرماید: مقصود از بد گمانی و نگرانی خاطر که حرام می باشد آن است که انسان بدون علم و یقین و فقط به اتکاء گمان و نگرانی خاطر نسبت به مؤمنی عقیده بد و نادرستی پیدا کند. ولی تنها حدیث نفس و شک و تردید که امری است غیر اختیاری گناه محسوب نمی شود.<sup>۵</sup> به هر حال بد گمانی نسبت به مؤمن عملی است حرام و ممنوع.

سوء ظن اقسامی دارد که از بعضی آنها نهی شده است .

**۱- سوء ظن به خدا:** سوء ظن به پروردگار و بد بینی نسبت به وعده های الهی، آثار مخربی در بنیان ایمان و عقائد انسان دارد و انسان را از خدا دور می سازد. اضافه بر این سوء ظن به وعده های الهی سبب فساد عبادت می گردد. چنانکه در حدیث می خوانیم: «خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به خاطر سوء ظن به خداوند و کوتاهی در امیدواری به ذات پاک او و بداخلاقی و غیبت مؤمنین». <sup>۶</sup> به علاوه سوء ظن به خدا، انسان را از عنایات الهی محروم می کند، زیرا خداوند با هر کس مطابق حسن ظن و سوء ظن او عمل می نماید. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- فرمود: «ترس و حرص و بخل غریزه های مختلفی هستند که تمام آنها

<sup>۱</sup> - سید حمید طیبیان، همان، ج ۲، ص ۱۴۰۳.

<sup>۲</sup> - حسن انوری، همان، ج ۵، ص ۴۲۸۷.

<sup>۳</sup> -

<sup>۴</sup> - گروه آموزش اداره کل امور تربیتی، اخلاق اسلامی، ج ۲، ص ۶۷.

<sup>۵</sup> - زین الدین بن علی ( شهید ثانی)، کشف الريبية، ص ۲۱.

<sup>۶</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۳۶.

در سوء ظن به خداوند جمعند<sup>۱</sup>. به یقین کسی که به امدادها و نصرت الهی ایمان داشته باشد ترسی از دشمنان خدا به خود راه نمی‌دهد و کسی که به وعده‌های پروردگار در زمینه روزی مطمئن باشد حرص نمی‌زند و از بخل بیزار است بنابراین صفات سه‌گانه مزبور در واقع از سوء ظن به خداوند سرچشمه می‌گیرد.

**۲- سوء ظن به مردم:** این قسم از سوء ظن که بسیاری از مردم به آن مبتلا هستند طبق آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات نهی شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا...»<sup>۲</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید، ...»

**۳- سوء ظن به خود:** انسان نباید نسبت به خود حسن ظن داشته باشد و همه کارهای خود را بی‌عیب بپندارد. حضرت علی(ع) در صفات متقین (در خطبه همام) می‌فرماید: یکی از کمالات افراد با تقوا آن است که نسبت به خودشان سوء ظن دارند «فَهُمْ لِأَنفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ»<sup>۳</sup>؛ «خودشان را متهم می‌شمارند.» افرادی که خود را بی‌عیب می‌دانند در حقیقت نور علم و ایمانشان کم است و با نور کم، انسان چیزی نمی‌بیند. یکی از دلایل آنکه امامان معصوم آن همه گریه و مناجات داشته‌اند، همان نور ایمان و معرفت آنان بوده است.

توجه به این نکته نیز لازم است که معنای حسن ظن؛ سادگی، زودباوری، سطحی نگری، غفلت از توطئه‌ها و شیطنتها نیست. اُمت اسلامی هرگز نباید به خاطر حسن ظن‌های نابجا، دچار غفلت شده و در دام صیادان قرار گیرد.<sup>۴</sup>

اسباب سوء ظن و عواقب آن

#### ۱- عوامل سوء ظن

سوء ظن گرچه خود عامل بسیاری از رذایل اخلاقی و بیماری‌های روانی است لیکن خود نیز ریشه‌هایی دارد که لاجرم آن ریشه‌ها باعث بروز و ظهور سوء ظن می‌شوند، اکنون در این فصل برخی از ریشه‌ها و عوامل سوء ظن شرح و توضیح داده می‌شود.

##### ۱-۱- توقعات بی‌جا از خدا و خلق

یکی از ریشه‌های سوء ظن برآورده نشدن توقعاتی است که انسان از دیگران انتظار دارد، مثلاً از کسی توقع احسانی دارد ولی او چیزی نمی‌دهد و احسان نمی‌کند و یا در حد توقع نیاز او را برآورده نمی‌سازد. بدین ترتیب به او بدبین شده و این مسئله را حمل بر بخل یا غرض شیطانی می‌کند یا ممکن است از کسی توقع احترام و

<sup>۱</sup> - محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۱۶۲.

<sup>۲</sup> - سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۲.

<sup>۳</sup> - محمد دشتی، ترجمه ی نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۲۸۸.

<sup>۴</sup> - محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۸۹، سوره حجرات، ذیل آیه ۱۲.

تکریم داشته باشد ولی او به عللی احترام یا تکریم را به عمل نیاورده است. مثلاً ابتدا به او سلام نکرده یا جلوی پایش بلند نشده یا از او تعریف نکرده... به این ترتیب به او بدبین شده و او را متکبر به حساب می آورد. سبب اصلی این نوع سوء ظن حب دنیا و علاقه شدید به شهوات و اوضاع حیات مادی است و از آنجائی که بیشتر مردم به دنیا علاقه دارند، کسی را نمی توان یافت که از این گناه در امان باشد و به همین لحاظ است که امام صادق - علیه السلام - بیش از دو سوم مردم را به این گناه مبتلا می دانند. پیش از نقل روایت نخست آیه ای که این روایت در تفسیر آن است مورد ملاحظه قرار می گیرد.

قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسَخَطُونَ»<sup>۱</sup>؛ «برخی از آنان ( منافقان ) در تقسیم زکات بر تو (ای پیامبر ) عیبجویی می کنند و خرده می گیرند، اگر از آن عطایشان دهند راضی می شوند و اگر از آن عطایشان ندهند آن وقت خشمگین می شوند.» بعضی از مسلمانان ظاهری که به سبب نداشتن استحقاق یا جهت دیگر از صدقات محروم بودند، و این بر خلاف میل و انتظارشان بود به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بدبین بودند و از آن حضرت خشمگین و ناراحت می شدند و کار آن حضرت را ناروا می پنداشتند در حالی که اگر توقع خود را به جا می دانستند و از رسول خدا راضی و خشنود بودند دچار گناه نمی شدند.

روایت مورد بحث نیز در مورد همین آیه است. اسحق بن غالب می گوید: «امام صادق - علیه السلام - به من فرمود: "ای اسحق به نظر تو این آیه (فَإِنْ أُعْطُوا) چقدرند؟" اسحق می گوید: من چیزی در جواب امام عرض نکردم، حضرت فرمودند: «بیشتر از دو سوم مردم چنین اند.»

یکی از توقعات بی موردی که قرآن نیز آن را مذمت می کند این بود که مسلمانان گمان می کردند که در کلیه جنگ ها پیروزی باید نصیب آنها شود، از این رو چون در جنگ احد شکست خوردند موجبات بد گمانی آنان به خداوند متعال فراهم آمد.

قرآن کریم این موضوع را بیان می فرماید و از گمان های نا به جای آنان به نام «ظن جاهلیت» یاد می نماید. «... يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية...»<sup>۲</sup>؛ «... به خداوند گمان هایی غیر حق می زدند (مانند) گمان هایی که اعراب جاهلیت به خداوند داشتند.» نمونه دیگر آنکه برخی از مسلمانان توقع دارند که خداوند را بخوانند و خدا هم حاجت هایشان را بلافاصله مستجاب فرماید؛ این توقع خود گاهی خود منشاء سوء ظن به خدا می شود زیرا بسیاری از حاجاتی که استجاب آن را از خداوند انتظار داریم به صلاح ما نیست و حکمت های دیگری در کار است از این رو انسان در تمام این موارد به جای بد بینی به دیگران باید به خود بد بین باشد که توقعاتی بیجا و بی مورد از دیگران داشته است.

<sup>۱</sup> - سوره توبه (۹)، آیه ۵۸.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۴.

## ۱-۲- عدم پاکی طینت و سلامت قلب

یکی از اصلی ترین ریشه های سوءظن کمبود ایمان راستین و عدم سلامت قلب و دل است. چنان چه اصل و ریشه حسن ظن، حُسن ایمان مرد و سلامت دل اوست. حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيْمَانٍ لِمَرْءٍ سَلَامَةٌ صَدْرِهِ»<sup>۱</sup>؛ «ریشه و پایه ی حسن ظن از نیکویی ایمان مرد و سلامتی قلب او است».

شخصی که کمبود ایمان دارد و سینه اش تنگ و تاریک از گناهان است و افکار زشت و نادرست در اندیشه اش انباشته است، نسبت به دیگران سوء ظن دارد، چون قیاس با نفس خود می کند و افکار خود را آلوده می یابد، در تمام موارد مشابه دیگران نیز به سوء نیت های خود متهم می کند به گمان اینکه برادر و دوستش نیز همان افکار را در سر می پروراند و کارهایش بر اساس نیت های سوء است. از این رو آنان که اساساً باطنی ناپاک دارند و به دنبال عیب جویی از مردم هستند. همیشه نسبت به دیگران سوء ظن داشته و آنان را متهم می نماید.

## ۱-۳- توجه به ظاهر

یکی دیگر از عوامل سوءظن توجه به ظاهر امر و امور است که خلاف عرف است. این نوع مثلاً اگر در مورد شخصی که قفل مغازه ای را دست کاری می کند سوء ظن ببریم و فوراً درصدد بر آییم که به صاحب مغازه خبر دهیم چه بسا این بدگمانی نابجا باشد و مایه ی آبرو ریزی شخص مؤمنی گردد. البته گاهی این سوء ظن در بعضی مواقع بجا است و علاوه بر آنکه ضرر ندارد، مثمر ثمر است.

## ۱-۴- ریب

چنانکه گفته شد عوامل چندی در ایجاد بدگمانی نقش دارد که در روایات، عاملی چون ریب نیز مطرح شده است. از نظر اسلام، ریب تاثیر بسزائی در ایجاد بدگمانی در اشخاص دارد. ریب حالتی از شک است که در عمل نیز خودنمایی می کند. از این امام علی(ع) نسبت به این گونه از شکوک هشدار می دهد و می فرماید: «الرَّيْبَةُ تُوجِبُ الظَّنَّ»<sup>۲</sup>؛ «شک، موجب بدگمانی است». ایشان در جایی دیگر نیز فرموده است: «المُرِيبُ أَبْدَا عَليْلٍ»<sup>۳</sup>؛ «شکاک، همواره بیمار است». بنابراین، برای رهایی از انواع بیماری ها باید از شک و ریب دوری کرد تا سلامت خود را به دست آورد.

<sup>۱</sup> - حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۲۵۱.

<sup>۲</sup> - محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۹۵، حدیث ۳۴۶

<sup>۳</sup> - محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، همان، ج ۱، ص ۲۱۱، حدیث ۸۳۹.

## ۱-۵- آلودگی درون و برون

افرادی که خودشان آلوده اند دیگران را همچون خود آلوده می‌پندارند و از طریق «مقایسه به نفس، مردم را به کیش خود و به روش خود می‌پندارند. در حدیثی از امیرمؤمنان علی(ع) می‌خوانیم: «آدم بد به هیچ کس گمان خوب نمی‌برد؛ زیرا دیگران را همچون خود می‌پندارد»<sup>۱</sup>.

## ۱-۶- همنشینی با بدان

کسی که معاشرانش را از افراد فاسد انتخاب کرده است طبیعی است که نسبت به همه مردم سوء ظن پیدا کند؛ چرا که تصور می‌کند معاشران او نمونه‌هایی از سایر مردمنند. حضرت علی(ع) فرمود: «هم نشینی با بدان سبب بدگمانی نسبت به نیکان می‌شود»<sup>۲</sup>.

## ۱-۷- زندگی در محیطهای فاسد

هنگامی که انسان در خانواده یا در شهر و کشوری که فساد بر آن حاکم شده است زندگی کند نظر او نسبت به همه افراد حتی به نیکان، منفی می‌شود. هر چند معاشران او افراد خوبی باشند ولی غلبه فساد بر محیط کار، باعث سوء ظن می‌شود.

## ۱-۸- حسد، کینه توزی، تکبر و غرور

شخص حسود و کینه توز می‌خواهد از این طریق از مقام شخص محسود بکاهد و کینه خود را از این طریق اعمال کند. افراد متکبر برای تحقیر دیگران متوسل به سوء ظن می‌شوند تا آنها را در نظر خود و جامعه، افرادی پست و حقیر جلوه دهد.

## ۱-۹- عقده حقارت

<sup>۱</sup> - محمد دشتی، همان، نامه ۵۳،

<sup>۲</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۷۱، صفحه ۱۹۱، حدیث ۴.



کسی که گرفتار خود کم بینی شده و یا از سوی دیگران مورد تحقیر واقع گشته است سعی می کند دیگران را هم در محیط فکر خود، حقیر و پست، آلوده و گنهکار حساب کند تا از عقده خود بکاهد و آرامش کاذبی برای خویش فراهم سازد.

## ۱-۱۰- ضعیف ایمان

سوء ظن نسبت به خداوند، عمدتاً از ضعف ایمان ناشی می شود؛ عدم ایمان به صفات ذات و فعل و ضعف باورها نسبت به علم، قدرت، رحمانیت، رازقیّت و سایر صفات پروردگار او را به سوء ظن در وعده هایش می کشاند و راههای سعادت و نجات را به روی انسان می بندد.

## ۲- آثار سوء ظن

چنانچه پیش تر نیز گذشت سوء ظن از آن نوع بیماری های روانی و ردایلی اخلاقی است که بسیاری از ردایلی اخلاقی دیگر را به دنبال خود می کشد و در نفس آدمی جایگزین می سازد و البته پر واضح است که هر کدام از انواع سوء ظن خود عواقب و آثار مختلفی دارد. مثلاً سوء ظن به خداوند رحمان و رحیم سوء ظن به رسولان الهی و سوء ظن به برادران ایمانی خود آثار جدا گانه و عواقب مختلفی در روح دارد. کلیه آثار و عواقب سوء ظن را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد، یکی آن دسته از آثار و عواقبی است که در نفس آدمی اثر می گذارد و روح او را منقلب می سازد و در نتیجه در اطرافیان و برخورد های او با دیگران مؤثر است. و دوم آن دسته از آثار سوء ظن که مستقیماً در جامعه موجب خلل و اختلال می شود، اگر چه که صاحب سوء ظن بر طبق ریشه هایی که در قبل بر شمردیم باطن ناپاکی نداشته باشد. اینک به بررسی هر کدام پرداخته می شود.

## ۲-۱- آثار فردی

در این قسمت آثار و عواقب فردی سوء ظن مطرح می گردد.

۲-۱-۱- اعتقادی : مهلک ترین اثر سوء ظن این است که ایمان و دین انسان را در معرض خطر قرار میدهد و اگر کسی به راستی مؤمن باشد به هیچ قیمتی حاضر نمی گردد که با سوء ظن به این و آن ایمان خود را در معرض خطر قرار دهد

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در این باره می فرماید: «لَا دِينَ لِمُسَىءِ الظَّنِّ»<sup>۱</sup> و «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ الظَّنِّ»<sup>۲</sup> مفهوم حدیث این است کسی که دارای سوء ظن باشد دین و ایمان ندارد.

۱-۲-۳- ملکات نفسانی : اما دسته دوم از آثار فردی سوء ظن مربوط به ملکات نفسانی و خصلت های آدمی است. یعنی روح و فطرت پاک انسان را تهدید می کند و سرانجام او را به عذاب الهی دچار می سازد. بر اساس روایات ائمه معصومین سوء ظن مادر بیماری های نفسانی دیگر می باشد، حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید: «الْجُبْنُ وَالْحِرْصُ وَالْبُخْلُ غَرَائِزُ سُوءٍ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ»<sup>۳</sup>؛ «ترس و حرص و خست صفات پلیدی هستند که سوء ظن به خداوند آن هارا گرد هم می آورد». کسی که به خداوند و قدرت مطلقه او سوء ظن دارد، لا جرم از کمک و پشتیبانی خداوند نا امید است، و ناگزیر حوادث و مهلکات و جبن و ترس بر او غالب می شود. و او که خدا را رازق نمی داند در نتیجه در به دست آوردن مال حرص می خورد و همیشه در صدد آن است که برای آینده خود بیش از حد نیاز، امکانات فراهم آورد، غافل از این که خداوند روزی را می رساند و چنانچه امروز روزی را در اختیار تو قرار داده، روزی فردا نیز به دست اوست.

اما بخل نیز که یکی از رذائل اخلاقی است، به دنبال سوء ظن بر نفس آدمی مسلط می شود و راه فلاح را که نتیجه عدم بخل است سد می نماید، زیرا به فرموده قرآن: «...وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۴</sup>؛ «و هر کس نفس خویش را از بخل نگاه دارد پس آنان رستگار هستند.»

طبق احادیث و روایات، بخل خود از رذایلی است که ام و مادر یک سلسله پلیدی های اخلاقی است و از این رو خود نقش عمده ای در به فساد کشیدن روح انسان دارد. و به این ترتیب روح او را دچار بیماری می کند. و چنین روحی نمی تواند به خداوند قرب جوید و در سلک کسانی در آید که پس

از مرگ در جوار رحمت الهی هستند و در نتیجه به عذاب خداوند سبحان دچار خواه شد و این خود عقوبت سوء ظن اوست. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید: «وَاللَّهِ لَا يُعَذِّبُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ الْإِيمَانِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ وَ سُوءِ خَلْقِهِ»<sup>۵</sup>؛ «به خدا سوگند که خداوند سبحان مؤمنی را پس از ایمان عذاب نمی کند مگر به سبب سوء ظن و بدی اخلاقش.»

۱- عبد الواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۶۴، حدیث ۵۶۸۸.

۲- عبد الواحد تمیمی آمدی، همان، ج ۱، ص ۲۶۴، حدیث ۵۶۸۹.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار لدرر الاخبار الائمه، ج ۶۷، حدیث ۴۷، ص ۳۸۶.

۴- سوره حشر (۲۴)، آیه ۹.

۵- محمد بن حسین آقا جمال الدین خوانساری، همان، ج ۶، ص ۲۴۴، حدیث ۱۰۱۴۰.

۳-۱-۲- تباهی عبادات: یکی دیگر از آثار سوء ظن این است که عبادات آدمی را به تباهی می کشاند و بارگناهانش را زیاد می کند. در این زمینه مولای متقیان می فرماید: «بر حذر باش از این که گمان بد بورزی، به راستی که سوء ظن عبادت را فاسد می کند و بار گناهان را بزرگ می کند»<sup>۱</sup>.

۳-۱-۲- تنهایی: کسی که به دیگران بد بین می شود و آنها را خیانت کار و در دوستی نا صاف نا پایدار می پندارد ناچار می شود همه گونه روابط خود را از آنها ببرد؛ از علی(ع) روایت شده است: «بر هر که بدگمانی چیره شود، صلح و صفا میان او و دوستانش از میان می رود»<sup>۲</sup> و نیز از ترس رسیدن شر و ضرر دیگران به او، همیشه از مردمان فراری است. و با کسی انس نمی گیرد. و نیز فرمود: «هر که بد بین است از همه مردم وحشت و ترس دارد»<sup>۳</sup> و از این رو از تمام خیرات و برکات که از نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر باید نصیب او شود محروم خواهد بود.

۳-۱-۲- فراموش کردن عیوب خود: کسی که بد بینی به مردم خوی او شده هیچ گاه عیب ها و نقص های خودش را نمی بیند تا در مقام درمان خود بر آید و همه روزه بر عیبش افزوده می شود تا هلاک گردد. امیر المؤمنین علی - علیه السلام - فرمود: «بدگمانی صاحبش را هلاک می کند و دوری کننده اش را رستگار می سازد»<sup>۴</sup> و هم چنین فرمود: «سرگرم شدن به عیب های خودت کفایت می کند تو را از عار و ننگ» زیرا با داشتن عیب های یقینی خود هر گاه آنها را نبیند و عیب های مظنون و موهوم دیگران را ببیند و به آنها بد بین شود عار و ننگ بزرگی خواهد بود و چون به عیب های خود سرگرم شود قهراً از عیب جویی دیگران باز می ماند و بدین وسیله ننگ عار نمی شود؛ و نیز فرمود: «از پی عیب ها رفتن از زشت ترین عیب ها و بدترین گناهان است» و می فرماید: «آنان که از عیب دیگران جستجو می کنند و آن را نقل می نمایند به خوبی آنها چیزی نمی گویند، به مانند مگس هستند که جای فاسد و کثیف بدن انسان را جستجو میکند و بر روی آن می نشیند و به جای درست بدن کاری ندارد»<sup>۵</sup>.

۳-۱-۲- گوشه گیر شدن شخص بدگمان: در روایتی از امام علی(ع) می خوانیم: «کسی که به مردم گمان خوبی ندارد و نسبت به آنان خوش گمان نمی باشد، از تمام مردم وحشت می کند»<sup>۶</sup>.

<sup>۱</sup> - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۲، حدیث ۱۰۵۶.

<sup>۲</sup> - مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق اسلامی، ص ۱۷۳.

<sup>۳</sup> - همان.

<sup>۴</sup> - شهید دستغیب، قلب سلیم، ص ۵۵۹.

<sup>۵</sup> - فاطمه زمانی، «میعاد - حدیث و زندگی»، سایت کاشفی، تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۲/۳۱

<http://www.kashfeeblogfa.com/post-۹۶.aspx>

<sup>۶</sup> - مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق اسلامی، ص ۱۷۲.

۲-۱-۷- کم رنگ شدن معنویت شخص: بدگمانی، عبادت را تباه می‌سازد و اثر آن را از بین می‌برد. باز در این مورد علی(ع) می‌فرماید: «از بدگمانی بپرهیز. چون اثر عبادت را از بین می‌برد و گناه انسان را بزرگ می‌کند. ایمان با بدگمانی جمع نمی‌شود. گمان بد نسبت به انسان نیکوکار، بدترین گناه و زشت‌ترین ظلم است.»<sup>۱</sup>

۲-۱-۸- بستر گناه: بدگمانی از نظر فردی و شخصی، زمینه و بستر گناه را فراهم می‌آورد؛ از همین رو، خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات آن را به عنوان «اثم» (گناه) دانسته و نهی کرده است.

۲-۱-۹- دروغ‌ترین‌ها: بدگمانی از مصادیق دروغ‌ترین دروغ‌ها است که باید از آن پرهیز کرد. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «إِنَّا كُفْرًا وَ الظَّنُّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الكَذِبِ»؛<sup>۲</sup> «از گمان بپرهیزید؛ زیرا گمان دروغ‌ترین دروغ است.»

۲-۱-۱۰- جبن و بخل و حرص: از آثار بدگمانی ترس و بخل‌ورزی و حرص است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «همانا ترس و بخل و حرص، [جلوه‌های] یک خصلتند که بدگمانی، آنها را فراهم آورده است.»<sup>۳</sup> از آیات و روایات به دست می‌آید که بخل ریشه در بدگمانی نسبت به خدا دارد؛ چنانکه حرص، زیاده‌خواهی بیش از استحقاق نیز ریشه در همین بدگمانی دارد. حضرت امیرمؤمنان(ع) به مالک اشتر می‌نویسد: «همانا بخل و ستم و آزمندی خصلتهای گوناگونی هستند که بدگمانی به خدا فراهم آورنده آنهاست و در نهاد مردمان بدکردار نهفته‌اند.»<sup>۴</sup>

۲-۱-۱۱- مرگ زودرس: انسان دارای اجل معلق و اجل مسمی است. اجل معلق به رفتار انسان وابسته است و خوب و بد اعمال چون صله رحم و ترک آن یا صدقه و ترک آن می‌تواند در تقدیم و تاخیر آن نقش داشته باشد. از نظر قرآن، شکاکیت و بدگمانی بویژه نسبت به خداوند موجب می‌شود تا شخص گرفتار مرگ زودرس شود؛ چنانکه ترک شک و بدگمانی می‌تواند مرگ را تا اجل مسمی به تاخیر اندازد...»<sup>۵</sup>

۲-۱-۱۲- ناتوانی از درک حقایق: چنانکه گفته شد بدبینی و بدگمانی موجب می‌شود که واقعیت‌ها و حقایق آنچه که هست برای شخص قابل درک نباشد و برداشت‌های ناروا از آن داشته باشد. خداوند در قرآن نیز غوطه‌وری در شکاکیت و بدگمانی را مایه محرومیت انسان از درک حقایق دانسته است.<sup>۶</sup>

۲-۲- آثار اجتماعی

<sup>۱</sup> - مهدوی کنی، همان، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۵، حدیث ۸

<sup>۳</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۰۴، حدیث ۲۱.

<sup>۴</sup> - محمد دشتی، همان، نامه ی ۵۳.

<sup>۵</sup> - سوره ابراهیم(۱۴)، آیات ۹ و ۱۰.

<sup>۶</sup> - سوره دخان(۴۴)، آیات ۷ تا ۹. محمد بن طاهر ابن عاشور، تفسیر التحریر والتنوير، ج ۱۲، جزء ۲۵، ص ۲۸۴ - ۲۸۵.

گسترش دامنه سوء ظن در جوامع بشری، آثار بسیار زیانبار و نامطلوبی بر جامعه و اجتماع دارد که به طور اجمال بر کسی پوشیده نیست، ولی در توضیح آن، جهات ذیل قابل توجه است.

۲-۲-۱- تهدید اخوت ایمانی: چنانکه گفته شد، بدگمانی از نظر اجتماعی، تهدید به شمار می‌آید؛ زیرا جو روانی جامعه را به هم می‌ریزد و در روند انسجام اجتماعی و همدلی اختلال وارد می‌سازد و برادری اسلامی را تهدید می‌کند.<sup>۱</sup>

۲-۲-۲- سرزنش: کسی که گمان بد دارد، براساس آن، دیگران را سرزنش می‌کند که خود موجب گمراهی و دور شدن از راه حق می‌شود. جالب این است که ما درباره خودمان یقین به فکر و عمل بد و نادرست داریم و خودمان را سرزنش نمی‌کنیم، ولی براساس بدگمانی خودمان، دیگران را به چیزی که یقین نداریم و بلکه تنها گمان یا بدگمانی داریم، سرزنش می‌کنیم که بسیار نادرست است. حضرت امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید: «چونان کسی مباش... که در آنچه گمان می‌برد، نفسش بر او چیره می‌آید و در آنچه یقین دارد، بر نفس خود چیره نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

۲-۲-۳- از دست رفتن سرمایه اعتماد دو سویه: بدگمانی مهم‌ترین سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد را از میان می‌برد و به اشکال گوناگون بحران عدم اعتماد را به وجود می‌آورد. امام علی(ع) می‌فرماید: «بدترین مردم کسی است که به سبب بدگمانی به هیچ کس اعتماد نمی‌کند و دیگران نیز به سبب بد کرداری‌اش به او اعتماد نمی‌کنند.»<sup>۳</sup>

۲-۲-۴- از دست رفتن صلح و آشتی: بدگمانی چون خوره، شخص را از درون می‌خورد و سلامتت را دگرگون می‌کند طوری که دیگر جایی برای صلح و صفا و آشتی باقی نمی‌ماند. شخص، دیگر نمی‌تواند کینه‌ها را از خود دور کند و دست صفا و صمیمیت به سوی کسی دراز کند و از در آشتی در آید. امام علی(ع) می‌فرماید: «هر که بدگمانی بر او چیره شود، جای آشتی با هیچ دوستی باقی نگذارد.»<sup>۴</sup>

۲-۲-۵- از دست رفتن دوستان شفیق: از دیگر آثاری است که امام علی(ع) - در سفارش به فرزند خود حسن(ع) - به آن اشاره کرده و فرموده است: «لا یَعْدَمُكَ مِنْ شَفِیقِ سَوْءِ الظَّنِّ»؛ «بدگمانی، تو را از دوست دلسوز محروم نکند.»<sup>۵</sup>

## نتیجه

<sup>۱</sup> - سوره حجرات(۱۸)، آیات ۱۰-۱۲.

<sup>۲</sup> - محمد دشتی، همان، حکمت ۱۵۰، ص ۴۷۳.

<sup>۳</sup> - عبدالواحد تمیمی آمدی، همان، حدیث ۵۷۴۸.

<sup>۴</sup> - عبدالواحد تمیمی آمدی، همان، حدیث ۸۹۵۰.

<sup>۵</sup> - محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۱۱، حدیث ۱.

افکار قدرت زیادی دارند. تمام ساخته ها و پرداخته های انسان، با شکوه یا وحشتناک در ذهن شروع می شود. به هر چه می نگریم، شروع آن از یک اندیشه بودن، رفتارهای خوب و بد انسان، نشأت گرفته است. منفی بافی و سوء ظن آرامش فرد و جامعه را بر هم می زند. فرد بدبین همواره در یک رنج روحی و روانی به سر برده، از سوز و گدازهای پندارهای منفی در عذاب است. سوءظن روی جسم و روح فرد بدبین تأثیر گذاشته و در نتیجه همیشه غمگین و تنهاست و از همه وحشت دارد. روایات متعددی در این زمینه از ائمه-علیهم السلام- به ما رسیده و ما را نسبت به سوءظن و منفی بینی هشدار داده و به حسن ظن دستور داده اند. هم چنین واژه ظن و مشتقات آن در ۵۷ آیه ذکر شده که از مفاهیم آن چنین استنباط می شود.

عوامل و آثار سوء ظن از منظر آیات و روایات

منابع



قرآن کریم (ترجمه ی الهی قمشه ای)

نهج البلاغه (ترجمه ی محمد دشتی)

کتاب فارسی

- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم (محقق جلال الدین حسینی ارموی، ج ۵۶)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰. ش.
- تمیمی آمدی عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، شرح محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، ج ۴، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶. ش.
- دستغیب، سید محمد هاشم، قلب سلیم، بی جا: انتشارات ناس، چاپخانه پیام، بی تا.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات امیر المؤمنین، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، چاپ چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۹.
- گروه آموزش اداره کل امور تربیتی، اخلاق اسلامی، ج ۲، بی جا: انتشارات مقدم، ۱۳۶۳. ش.
- طیبیان، سید حمید، فرهنگ لاروس، (ترجمه المعجم العربی الحدیث)، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵.

کتاب عربی

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بی جا، بی نا، قرن ۱۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الحکم (محقق مصطفی درایتی)، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دقت تبلیغات، چاپ دوم، ۱۳۶۶. ش.
- شهید ثانی، کشف الریبه، بی جا: انتشارات مرتضوی، ۱۳۹۰. ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵. ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، (مصحح جمعی از محققان)، ج ۶۷، چاپ دوم، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج (۶۷، ۵۵)، چاپ دوم، تهران: دارالکتاب اسلامیه، ۱۳۶۴.

عوامل و آثار سوء ظن از منظر آیات و روایات

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج(۷۱،۷۰،۶۸)، لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.ق.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.ق.

اینترنت

فاطمه زمانی، (میعاد- حدیث و زندگی)، سایت کاشفی، تاریخ دسترسی ۵۷۱۷/۲/۷۵

<http://www.kashfeblogfa.com/post-۱۷.aspx> ۵۷۱۷/۲/۷۵





